

پزشکی و قانون

دکتر صد قضائی

استاد پزشکی قانونی و طب دانشگاه علوم پزشکی تهران

اگر چه از اسم پزشکی قانون همراه بودن پزشکی باقانون مفهوم میشود ولی در حقیقت

درعین حالی که پزشکی در خدمت قانون است و پزشکی قانونی از تمام معلومات پزشکی

استفاده میکند تا راه را برای موفقیت قانون بگشاید یک تضادی نیز بین آنان وجود دارد.

صدر نشینان مسند قضا که ترازوی عدالت بر کف، سرنوشت انسانها را رقم میزنند در یک

کفه ترازوه قانون را قرار میدهند که با تمام صلابت واستحکام و پایداری و قاطعیت عرض

اندان میکند ودر کفه دیگر پز کس راه یعنی در حقیقت نتایج حاصل از پزشکی یا بطور

دقیق کارشناسی پزشکی قانونی راه که درست برعکس قانون از قاطعیت و صلابت و

پایداری در ان خبری نیست بلکه پر از ناپایداری، بی ثباتی و تغییر و تحول است.

گفتیم پزشکی قانونی معلومات پزشکی را در خدمت قانون قرار میدهد یعنی وقتی در یک

مساله مربوط به انسان کارشناسی در کفه ترازو در مقابل قانون قرار میگیرد در حقیقت از

علم پزشکی استفاده شده است و اظهار نظر پزشکی قانونی در واقع حاصل از علم پزشکی

میباشد و از اصول و قوانین موجود در آن متاثر است. علم پزشکی مربوط به انسان است

که یک موجود بیولژیک بوده و تابع اصول کلی بیولژی و زندگی و حیات است که پر

تغییرات و تحولات و ناپایداریها و ناهمگونیهاست: انسانها با شکلهای مختلف، با طرز فکرها و مغزها و روانهای متفاوت خلق شده اند، سیاده زرد، بلند قدم، کوتاه قامت زشت، زیبا، چاق، لاغر ... مدتهای متفاوتی عمر میکنند از چند ساعت، روز، ماه، سال تا چندین ده سال حتی متجاوز بر قرن، و در شرایط متفاوت زندگی را بسر میبرند. فقر یا غنا، رفاه یا سختی، سعادت یا ننگون تا ۵۰+ درجه، سختی های اقلیمی را تحمل مینمایند و دارای خصوصیات انفرادی کاملاً متفاوت از همدیگر میباشند که هیچکدام از این خصوصیات نیز ثابت و لا یتغیر نیست: بدین معنی که مثلاً انسان سالم قاعداً دارای قلبی است که قریب ۸۰ ضربان در دقیقه دارد در حالی که صاحبان ۷۰ یا ۹۰ ضربان نیز سالم و طبیعی میباشند همچنین فشار خون طبیعی انسان حدود ۱۳ و ۱۴ است در حالی که شخص با فشار خود ۱۰ یا ۱۱ نیط بطور طبیعی و کاملاً سالم زندگی میکند، یک نفر با فشار خون ۱۵ _ ۱۶ احساس ناراحتیهای مختلف مینماید در حالی که دیگری با فشار ۱۷ و ۱۸ نیز هیچگونه ناراحتی حس نمیکند و وقتی درجه فشار خود را به خودش اطلاع میدهند تعجب میکنند، انسانی مکن است ساعتها و روزهای گرسنگی یا تشنگی را تحمل کرده و زنده و سالم بماند و یا در شرایط مختلف سرما و گرما مقاومت نماید و انسان دیگری بامختصر تغییری در شرایط حرارتی یا تغذیه ای از بین برود و هزاران نمونه دیگر که نشان دهنده این است که انسان موجودی بیولوژیک بوده و تابع قوانین و اصول متغیر بیولوژی یا زندگی و حیات میباشد و طبیعتاً قوانین ثابت و یکنواخت و مشابهی نمیتواند داشته باشد.

یک بیماری همه گیر شیوع پیدا میکند. عده ای مبتلا میگردند و عده دیگری کوچکترین ناراحتی پیدا نمیکنند از آنهایی که مبتلا شده اند گروهی میمردند و گروه دیگری زنده میماند از عده ای که زنده مانده اند گروهی سلامت کامل خود را بازیافته و هیچگونه نقص و معلولیتی نشان نمیدهند در حالی که گروه دیگری بقیائی از بیماری مبتلا شده را بصورت معلولیت و نقص عضو تا آخر عمر با خود دارند، تمامی این مسائل نسان دهنده متغیر بودن قوانین و اصول بیولوژیک است که مخصوص و رموجود زنده از جمله انسان میباشد که پزشکی انسان نیز متأثر از آن است در نتیجه علم پزشکی قانونی نیز منعکس کننده این اصول متغیر بیولوژیک میباشد. اگر بخواهیم در پزشکی با قاطعیت سخن بگوئیم باید هر انسانی را مستقلاً بطور کامل و کلی مطالعه کرده و بشناسیم و خصوصیات بیولوژیک او را مشخص و معین سازیم سپس درباره او بعنوان فردی مستقل با خصوصیات ویژه و منحصر به خود اظهار نظر نمائیم یک شکستگی استخوان ران در فردی ممکن است در ظرف دو ماه بکلی جوش خورده و بهبودی یابد در حالی که همین امر در فرد دیگری امکان دارد در مدت یک ماه انجام گیرد و یا در شخص دیگری ماه ها طول بکشد و یا اصلاً جوش نخورد و یا عوارض ثانوی بوجود آورده حتی منجر به مرگ نیز گردد یعنی در حقیقت شکستگی استخوان ران و جوش خوردن آن اگر چه در کل یک پدیده واحد است ولی بطور انفرادی میتوان گفت هر انسانی شکستگی مخصوص به خود و جوش

خوردن مخصوص به خود را دارد یعنی هر وجودی از وجود دیگر مستقل است و هر کدام واکنشهای مخصوص به خود را دارد.

نمونه دیگری بیان کنیم، دختر باکره ای مورد تجاوز جنسی قرار میگیرد، قاعدتاً معاینه او

باید پارگی پرده بکارت را نشان داده و پارگی هم با خونریزی همراه باشد در حالی که

بعضی اوقات نه پرده بکارت پاره میشود و نه خونریزی بوجود میآید و درعین حال تجاوز

نیز انجام گرفته است این امر وقتی اتفاق میافتد که پرده دختر از پرده های به اصطلاح نوع

الاستیک یا کشدار باشد یعنی با وجود انجتم عمل جنسی پاره نشود فقط بعلت کشدار

بودن کشش پیدا کرده و این عمل را ممکن سازد طبیعتاً چون پارگی نیست خونریزی هم

نخواهد بود، در بعضی مواقع بعلت فقدان خونریزی مورد اتهام و بحرمتی داماد قرار گرفته

و حتی گاهی مظلومانه جان خود را نیز از دست داده است.

برای روشن شدن بیشتر مساله و درک مشکلات پزشکان قانونی نمونه های دیگری از

ناپایداری و ناهمگونی اصول بیولوژیک انسانی ارائه می کنیم تا خوانندگان محترم

ملاحظه فرمایند تا چه حد پزشکی قانونی در رابطه با بی ثباتی و تغییر پذیری اصول

بیولوژیک با سختی ها رو دروست.

داروئی به بیماری تجویز می شود معمولاً اثر شفا بخش دارو سبب بهبودی و بیمار می

گردد و اگر دارو با مقادیر زیادتر از اندازه تجویز شود باعث خطر بوده و در صورت

تجویز بمقدار کمتر از اندازه، بی تاثیر خواهد بود پس پزشک دارو را به اندازه تعیین شده

و توسط علم پزشکی تجویز می کند و مطمئن است که کار صحیح انجام داده و هیچ خطائی مرتکب نشده است ولی بعد از دقایقی حال مریض بهم می خورد و بیمار حالت شوک پیدا می کند که اگر بطور فوری و صحیح درمان نشود امکان دارد فوت نماید در این حالت می گویند بیمار نسبت به آن دارو حساسیت یا آلرژی داشته و داورئی که با مقدار صحیح و بدون عیب و نقص تجویز شده بود بجای بهبودی و شفای بیمار سبب ناراحتی و احياناً مرگ او گردیده است پس مساله ای به اسم آلرژی نیز وجود دارد که پزشک باید به فکر آن باشد بار دیگر همان دواى شفا بخش را به بیمار دیگری تجویز می کند و مساله آلرژی را نیز در نظر می گیرد از مریض تحقیقات کافی کرده در صورت لزوم، آزمایشهای مشخصی را نیز انجام می دهد تا از بابت آلرژی خطری متوجه بیمار نگردد این بار پس از تجویز دارو مشاهده می شود که مثلاً اگر دارو را برای ناراحتی عصبی تجویز کرده بود و روی اعصاب او اثر شفا بخش اعمال کرده ولی روی دستگاه تنفس وی اثر تضعیف کننده داشته و او را دچار ناراحتی تنفسی ساخته است این بار اثر به اصطلاح جانبی یا اثر فرعی دارو مطرح می باشد. نوبت دیگر باز در تجویز همان دارو به بیمار دیگری پزشک اثرات جانبی انرا نیز در نظر می گیرد و دارو را تجویز می کند ایندفعه پس از چند روز بیمار دچار اختلالات گوارشی می گردد و معلوم می شود که ناشی از آثار به اصطلاح ثانوی دارو بوده بار دیگر به هنگام تجویز همان دارو آثار ثانوی ممکن را نیز در نظر می گیرد و با احتیاط کاملتر دارو را تجویز می کند متأسفانه پس از

مدت کوتاهی بیمار دچار اختلالاتی در یکی از دستگاہهای بدن مثلا دستگاہ خونی می گردد و معلوم می شود که این بیمار بخصوص، نقصانی در ساختمان آنزیمی بدن داشته و کمبود آن ماده یا آنزیم باعث این نوع اختلالات خونی گردیده است بالاخره ماهها یا سالها پس از تجویز یک دارو ممکن است بیمار دچار سرطان یا نقص عضو یا اختلال دیگری گردد که معلوم شود ناشی از تجویز همان دارو و اثرات ویروسی انبوده است.

بدنی ترتیب ملاحظه می شود که در تجویز فقط یک قلم دارو که ساده ترین و رایجترین اقدام پزشکی است چه اندازه مشکلات و پیچیدگیها و ابهام وجود دارد و چقدر بدن انسانها در پذیرش یک دارو از همدیگر متفاوتن و حتی یک داروی تنها روی همه آنها یکسان و مشابه اثر نمی کند و ظایف پزشک قانونی مثلا در رابطه با همین عوارض یک دارو در ارزیابی خطای پزشکی چقدر مشکل می باشد.

نگاهی به مساله مرگ بیندازیم ، همه اسنانها طعم مرگ را می چشد و دیر یا زود کالبد خاکی را وداع می گویند و به عالم می شتابند در این سفر بی بازگشت تعجب می کنیم وقتی می بینیم یک انسان ماهها بلکه سالها روی تخت بیمارستانی یا در منزل خود با مرگ دست و پنجه نرم می کند و مغلوب ان نمی شود و انسان دیگری صحیح و سالم در یک چشم بهم زدن و بطور آنی در سر کار خود و یا در منزل بدون کوچکترین مبارزه یا کمترین تقلائی چشم از جهان فرو بسته و دارافانی را بدرود می گوید و باصطلاح با یک مرگ انی در می گذرد در اینجا مختصر مکتبی درباره گروه مرگهای به اصطلاح انی

داشته باشیم و بینیم این مرگهای آنی چگونه اتفاق می افتند و مثلاً چگونه انسانی با شنیدن یک خبر ناگهانی بر یا بعضی اوقات حتی خوب آنآ قالب تهی کرده رخت از جهان بر می بندد و در کالبد گشائی هیچگونه ضایعه و عیب و نقصی در داخل بدن او دیده نمی شود که علت مرگ را توجیه کند و می گویند او در اثر رفلکس وقفه ای مرده است رفلکس وقفه ای دیگر چیست؟ رفلکسی که ممکن است در اثر یک اقدام کوچک پزشکی حتی مانند وارد کردن یک سوزن در بدن اتفاق بیفتد و یا در اثر شوخی دو نفر با همدیگر و وارد شدن یک ضربه مختصر از طرف یکی بدیگری پیش آید در مطالعات پزشکی قانونی " کالبد گشائی هیچ علامت کمک کننده ای به پزشک قانونی نمی دهد یعنی عملاً پزشک ضایعه ای پیدا نمی کند تا مرگ را به آن نسبت دهد و علت مرگ را رفلکس وقفه ای اعلام م یکنند و از طرف دیگر می دانیم که هر روز به هزاران هزار انسان آمپول تزریق می کنند و اعمال پزشکی گوناگون روی آنها انجام می دهند و هزاران انسان با همدیگر شوخی می کنند یا بهم ضربه می زنند ولی هیچکدام نمی میرند و اتفاق هم نمی افتد پس از واکنش انسانها نسبت به داروها، به ضربه ها، و اقدامات دیگر پزشکی یکسان نیست و هر کدام واکنش مخصوص بخود را داراست وقتی ارزیابی این واکنشها به پزشک قانونی محول می گردد پزشک قانونی در اقیانوس بی پایان بی ثباتی ها و ناهمگونیها و ابهامات باید غوطه خورد تا صدفی مقصود را که همان حقیقت امر است شناسائی کرده و ارائه نماید.

نمونه های فراوانی از این قبیل که همه و همه نشان دهنده متفاوت و متغیر بودن قوانین و اصول بیولوژی است، که در کل پزشکی و بطور اختصاصی در پزشکی قانونی، متجلی است.

در مقابل این ناپایداریها، ناهمگونیها و تغییر و تحول پذیری ها پزشکی قانونی با آنها روبرو است علم حقوق قرار دارد که علم ثبات و پایداری و تداوم است قوانین وضع شده در ان ثابت و پایدار بوده و مجریان آن عادت به قاطعیت و ثبات داشته از پزشکان قانونی نیز همین خصوصیات را انتظار دارند ولی با توجه به آنچه گذشت انصاف باید داد که کار پزشک قانونی از این حیث فوق العاده مشکل و پیچیده بوده و انتظار همچو قاطعیت و صلابتی از او چندان منصفانه و واقع بینانه نیست،

زیرا همانگونه که ملاحظه شد یکنواختی و ثبات در پزشکی و در نتیجه پزشکی قانونی وجود ندارد و پزشک قانونی باید خیلی مجاهدت کرده ودقت و مهارت بخرج دهد تا بتواند از ورای ابرهای تیره و تاریک ابهامات ، غیر یکنواختی و بی ثباتیها، حقیقت ثابت و پایدار را که مطلوب مراجع قضاست پیدا کرده و با اطمینان خاطر و قاطعیت بر آنان عرضه نماید تا آنان بتوانند بعد از اطلاع از حقیقت ثابت و پایدار را که مطلوب مراجع قضاست پیدا کرده و با اطمینان خاطر و قاطعیت بر آنان عرضه نماید تا آنان بتوانند بعد از اطلاع اط حقیقت امر و پی بردن به کنه مطلب رای صائب خود را صادر نمایند.